

## معنی کلمات درس سوم عربی یازدهم

|                                    |                                                 |
|------------------------------------|-------------------------------------------------|
| لُبّ: مغز میوه                     | أَحَلَّ: حلال‌تر، حلال‌ترین                     |
| الْمُحِيطُ الْهَادِي: اقیانوس آرام | أَطْيَبُ: خوب‌تر، خوب‌ترین = أَحْسَنُ، أَفْضَلُ |
| مُعَمَّر: کهن سال                  | أَغْصَانُ، عُصُونُ: شاخه‌ها «مفرد: عُصْن»       |
| مُواصِفَات: ویژگی‌ها               | جَذَعُ: تنه «جمع: جُذوع»                        |
| نَصِيفُ: توصیف می‌کنیم             | جُزُرُ: جزیره‌ها «مفرد: جَزِيرَة»               |
| نَوَى: هسته                        | جَوْزَه: دانه گردو، بلوط و مانند آن             |
| —                                  | فَالِقُ: شکافنده                                |

### جواب صفحه ۳۷ عربی یازدهم

■ ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

با توجه به متن درس یک کلمه مناسب در جای خالی قرار دهید.

۱- تَوَجَّدَ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْبَلُوطِ فِي ... محافظه ... إِيْلَامَ وَ لُرِسْتَانِ.  
معنی: باغ‌های زیبایی از درختان بلوط در استان ایلام و لرستان یافت می‌شود.

۲- قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِ أَشْجَارِ السِّكُويَا أَكْثَرَ مِنْ مِنْهُ مِتْرًا.  
معنی: گاهی بلندای برخی از درختان سکویا به بیش از یکصد متر می‌رسد.

۳- تَحْمِلُ شَجَرَةُ الْخُبْزِ أَثْمَارًا فِي نَهَايَةِ أَغْصَانِهَا كَالْخُبْزِ.  
معنی: درخت نان میوه‌هایی مانند نان در ته شاخه‌هایش می‌دهد.

۴- تَنْمُو أَثْمَارُ الْعِنَبِ الْبَرَزِيلِيِّ عَلَى جَذَعِ شَجَرَتِهِ.  
معنی: میوه‌های انگور برزیلی بر تنه درختش می‌روید.

### ترجمه صفحه ۳۹ عربی یازدهم

■ اخْتَبِرْ نَفْسَكَ

خودت را آزمایش کن

تَرْجِمُ مَا يَلِي حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ.

موارد زیر را با توجه به قواعد معرفه و نکره ترجمه کنید.

۱- ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ﴾  
معنی: خداوند نور آسمان‌ها و زمین است؛ مثل نور او مانند چراغدانی است که در آن چراغی است، آن چراغ در (داخل) شیشه‌ای است که آن شیشه گویی ستاره‌ای درخشان است.

۲- ﴿...أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَىٰ فِرْعَوْنَ الرَّسُولَ...﴾  
معنی: پیامبری به سوی فرعون فرستادیم پس فرعون از آن رسول نافرمانی کرد. ...

۳- عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ، خَيْرٌ مِنْ أَلْفٍ عَابِدٍ .  
معنی: عالمی که سود برده می‌شود از علمش، از هزار عابد بهتر است.

ترجمه حواری صفحه ۴۰ عربی یازدهم

فی الملعب  
در ورزشگاه

| اللاعب<br>بازیکن                                                                                                                                                                                                                                     | المراسل<br>خبرنگار                                                                            |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------|
| شُكْرًا جَزِيلًا<br>خیلی ممنون.                                                                                                                                                                                                                      | أَهْمَتُكَ بِفَوْزِ الْفَرِيقِ الْوَطَنِيِّ.<br>به تو تبریک می‌گویم به خاطر پیروزی تیم ملی.   |
| نَحْنُ نَشْعُرُ بِالسُّرُورِ وَنَتَمَنَّى عَلَى كَأْسِ الْمُبَارَاةِ.<br>ما احساس شادی می‌کنیم و آرزو داریم جام مسابقات را به دست آوریم.                                                                                                             | مَا شَعُورُ اللَّاعِبِينَ بِهَذَا الْفَوْزِ؟<br>احساس بازیکنان نسبت به این پیروزی چیست؟       |
| نَحْنُ نَلْعَبُ بِكُلِّ حِمَاسٍ وَنَتَعَاوَنُ خِلَالَ الْمُبَارَاةِ.<br>ما با تمام شور و شوق بازی می‌کنیم و در طول مسابقه همکاری داریم.                                                                                                              | وَمَا سِرُّ فَوْزِ الْفَرِيقِ فِي هَذِهِ الْمُبَارَاةِ؟<br>راز پیروزی تیم در این مسابقه چیست؟ |
| نَشْكُرُ الْمُدْرَبَ وَالْحَكَمَ وَنُهْنِي الشَّعْبَ وَنَطْلُبُ مِنْهُمْ الدُّعَاءَ لِلْفَوْزِ فِي الْمُبَارَاةِ الْقَادِمَةِ.<br>ما از مربی و داور تشکر می‌کنیم و به مردم تبریک می‌گوییم و از آن‌ها می‌خواهیم برای پیروزی در مسابقه آینده دعا کنند. | وَهَلْ عِنْدَكَ حَدِيثٌ آخَرُ؟<br>آیا سخن دیگری داری؟                                         |

♦ تمرین یک\_ الاول

□ أَئِ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

کدام کلمه از فرهنگ لغت درس با توضیحات زیر مطابقت دارد؟

۱ - مِسَاحَةٌ مِنَ الْأَرْضِ، حَوْلَهَا الْمَاءُ مِنْ كُلِّ جِهَةٍ. جَزِيرَةٌ

معنی: بخشی از زمین که از همه طرف آب آن را فرا گرفته است. : جزیره

۲ - بَحْرٌ يُعَادِلُ ثُلُثَ الْأَرْضِ تَقْرِيْبًا. الْمُحِيطُ الْهَادِي

معنی: دریایی که کمابیش برابر یک سوم زمین است : اقیانوس آرام

۳ - الَّذِي يُعْطِيهِ اللَّهُ عُمْرًا طَوِيلًا. الْمُعَمَّرُ

معنی: کسی که خداوند به او عمری دراز داده است : سالمند

۴ - صِفَاتُ أَحَدٍ أَوْ شَيْءٍ. خِصَالٌ

معنی: ویژگی‌ها و صفات یک فرد یا یک چیز : صفات، ویژگی‌ها

۴ - صِفَاتُ أَحَدٍ أَوْ شَيْءٍ. الْمُوَاصِفَاتُ

معنی: صفت‌های فردی یا چیزی : ویژگی‌ها.

♦ تمرین دوم\_ الثاني

□ تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

احادیث نبوی را ترجمه کنید، سپس مشخص کنید چه چیزی از شما خواسته شده است.

۱ - مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَزْرَعُ زَرْعًا أَوْ يَغْرِسُ غَرْسًا فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ.

معنی: هیچ مسلمانی نیست که درختی بشناسد، یا زراعتی بکارد و انسانی یا پرندۀ ای یا انسانی یا چرندۀ ای از (محصول) آن بخورد، مگر آنکه برای وی صدقه ای محسوب شود.

الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ: مِنَ الْمُسْلِمِ، مِنْهُ، لَهُ

وَأِسْمُ الْفَاعِلِ: مُسْلِمٌ

۲ - مَا مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْسًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرِ ذَلِكَ الْغَرْسِ.

معنی: هیچ مردی نیست که درختی بکارد، مگر اینکه خدا به اندازه میوه‌ای که از آن درخت برون می‌آید پاداش برای وی ثبت می‌کند.

الْفِعْلُ الْمَاضِي: كَتَبَ

وَالْمَفْعُولُ: غَرْسًا، قَدْرَ

۳ - سُئِلَ النَّبِيُّ (ص): أَيْ أَلْمَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: زَرْعُ زَرْعِهِ صَاحِبُهُ.

معنی: از پیامبر پرسیده شد: کدام دارایی بهتر است؟ گفت: بذری که صاحبش آن را کاشته است.

الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ: سُئِلَ

وَالْفَاعِلُ: صَاحِبُ

جواب تمرین صفحه ۴۲ درس ۳ عربی یازدهم

♦ تمرین سوم \_ الثالث

□ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ الصُّورِ.

با توجه به تصاویر به سوالات زیر پاسخ دهید.



بِمَ يَذْهَبُ الطَّلَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟ هُم

يَذْهَبُونَ بِالْحَافِلَةِ

معنی: دانش آموزان با چه چیزی به مدرسه می‌روند؟ با اتوبوس می‌روند



فِي أَيِّ بِلَادٍ تَقَعُ هَذِهِ الْأَهْرَامُ؟ فِي

بِلَادِ مِصْرَ

معنی: این اهرم در کدام کشور دارد؟ در کشور مصر



كَيْفَ الْجَوُّ فِي أَرْدَبِيلَ فِي الشِّتَاءِ؟ الْجَوُّ

بَارِدٌ

معنی: هوا در زمستان در اردبیل چگونه است؟ هوا سرد است



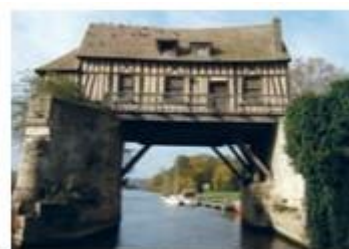
لِمَنْ هَذَا النَّمْثَالُ؟ لِسَيِّوِيَه

معنی: این مجسمه از آن کیست؟ از سیبویه



هَلْ تُشَاهِدُ وَجْهَهَا فِي الصُّورَةِ؟ نَعَمْ

معنی: آیا چهره‌ای در تصویر (عکس) می‌بینی؟ بله



مَاذَا تُشَاهِدُ فَوْقَ النَّهْرِ؟ بَيْتًا /

جِسْرًا

معنی: بالای رودخانه چه می‌بینی؟ خانه‌ای / پلی

جواب تمرین صفحه ۴۳ درس ۳ عربی یازدهم

### ♦ تمرین چهارم\_ الرابع

ا: عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النِّكَرَةِ.

الف: ترجمه صحیح را با توجه به قواعد معرفه و نکره تعریف کنید.

- |                                |                                                          |                                                     |
|--------------------------------|----------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------|
| ۱- سَمِعْتُ صَوْتًا عَجِيبًا.  | <input checked="" type="checkbox"/> صدای عجیبی را شنیدم. | <input type="checkbox"/> صدای عجیب را شنیدم.        |
| ۲- وَصَلْتُ إِلَى الْقَرْيَةِ. | <input type="checkbox"/> به روستایی رسیدم.               | <input checked="" type="checkbox"/> به روستا رسیدم. |
| ۳- نَظَرْتُ إِلَى الْمَاضِي    | <input checked="" type="checkbox"/> نگاهی به گذشته       | <input type="checkbox"/> نگاه به گذشته              |
| ۴- الْعِبَادُ الصَّالِحُونَ    | <input type="checkbox"/> بندگانِ درستکار                 | <input checked="" type="checkbox"/> بندگانِ درستکار |
| ۵- السَّوَارُ الْعَتِيقُ       | <input checked="" type="checkbox"/> دستبندِ کهنه         | <input type="checkbox"/> دستبندی کهنه               |
| ۶- التَّارِيخُ الذَّهَبِيُّ    | <input type="checkbox"/> تاریخی زرّین                    | <input checked="" type="checkbox"/> تاریخ زرّین     |

جواب تمرین صفحه ۴۴ درس ۳ عربی یازدهم

ب: تَرَجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النِّكَرَةِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَعْرِفَةَ وَ النِّكَرَةَ فِي مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ.

ب: جمله های زیر را طبق قواعد معرفه نکره ترجمه کن سپس معرفه و نکره که با خط به آن اشاره شده است مشخص کن

♦ سَجَلَتْ مُنَظَّمَةُ الْيُونِسْكُو مَسْجِدَ الْإِمَامِ وَ قُبَّةَ قَابُوسٍ فِي قَائِمَةِ الثَّرَاثِ الْعَالَمِيِّ.

معنی: سازمان یونسکو مسجد امام و گنبد کاووس را در لیست میراث جهانی ثبت کرد.

قابوس: معرفه علم

الثراث: معرفه به ال

♦ عِمَارَةُ خُسْرُو آبَاد فِي سَنَنْدَجٍ يَجْذِبُ سَيَّاحًا مِنْ مُدُنِ إِيرَانَ.

معنی: عمارت خسروآباد در سنندج گردشگرانی را جذب می کند.

سنندج: معرفه به علم

سَيَّاحًا: نکره

◆ حَديقَةُ شاهزاده قُرْبَ کرمان جَنَّةٌ فی الصَّحراءِ.

معنی: باغ شاهزاده نزدیک کرمان، بهشتی در بیابان است.

کرمان: معرفه به علم

جَنَّةٌ: منکره

◆ مَعْبَدُ کُردگلا فی مُحافظَةِ مازندران أَحَدُ النُّارِ الْقَدِيمَةِ.

معنی: عبادتگاه "کُردگلا" در استان مازندران یکی از آثار قدیمی است.

کُردگلا: معرفه به علم

مازندران: معرفه به علم

جواب تمرین صفحه ۴۵ درس ۳ عربی یازدهم

◆ تمرین پنجم \_ الخامس

■ عَيْنِ الْكَلِمَةِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْفِعْلِ الْمَاضِي.

کلمه صحیح را با توجه به زمان گذشته مشخص کنید.

جهت بزرگ کردن تصویر روی آن کلیک کنید! 🖱️

| أَلْفِعْلُ الْمَاضِي | أَلْفِعْلُ الْمُضَارِعِ | فِعْلُ الْأَمْرِ | أَلْمَصْدَرُ         | إِسْمُ الْفَاعِلِ  |
|----------------------|-------------------------|------------------|----------------------|--------------------|
| وَافَقَ              | يُؤَافِقُ ✓             | وَافِقُ ✓        | أَلتَّوْفِيقُ □      | أَلْمُؤَافِقُ ✓    |
|                      | يُؤَفِّقُ □             | وَفِّقُ □        | أَلْمُؤَافِقَةُ ✓    | أَلْمُؤَفِّقُ □    |
| تَقَرَّبَ            | يُقَرِّبُ □             | قَرَّبَ □        | أَلتَّقَرُّبُ ✓      | أَلْمُقَرَّبُ □    |
|                      | يَتَقَرَّبُ ✓           | تَقَرَّبُ ✓      | أَلتَّقَرُّبُ □      | أَلْمُتَقَرَّبُ ✓  |
| تَعَارَفَ            | يَتَعَرَّفُ □           | تَعَارَفَ ✓      | أَلْمُعَارَفَةُ □    | أَلْمُتَعَارَفُ ✓  |
|                      | يَتَعَارَفُ ✓           | إِعْرِفُ □       | أَلتَّعَارُفُ ✓      | أَلْمُعَرِّفُ □    |
| اِسْتَعْلَلَ         | يَسْتَعْلِلُ □          | اِسْتَعْلَلَ ✓   | أَلِإِسْتِغْلَالُ □  | أَلْمُسْتَعْلِلُ ✓ |
|                      | يَسْتَعْلِلُ ✓          | اِنْشَغِلُ □     | أَلِإِسْتِغْلَالُ ✓  | أَلْمُنْشَغِلُ □   |
| اِنْفَتَحَ           | يَفْتَتِحُ □            | اِنْفَتَحَ ✓     | أَلِإِسْتِفْتَاَحُ □ | أَلْمُتَفَتِّحُ □  |
|                      | يَنْفَتِحُ ✓            | تَفَتَّحَ □      | أَلِإِنْفَتَاَحُ ✓   | أَلْمُنْفَتِّحُ ✓  |
| اِسْتَرْجَعَ         | يَسْتَرْجِعُ ✓          | اِسْتَرْجَعَ ✓   | أَلِإِسْتِرْجَاعُ □  | أَلْمُسْتَرْجِعُ ✓ |
|                      | يَرْتَجِعُ □            | رَاجِعُ □        | أَلِإِسْتِرْجَاعُ ✓  | أَلْمَرْجِعُ □     |
| نَزَلَ               | يُنْزِلُ □              | اِنْزِلُ □       | أَلنُّزُولُ □        | أَلْمُنْزِلُ ✓     |
|                      | يُنْزِلُ ✓              | نَزَلَ ✓         | أَلتَّنْزِيلُ ✓      | أَلنَّازِلُ □      |
| أَكْرَمَ             | يُكْرِمُ ✓              | أَكْرِمُ ✓       | أَلِإِكْرَامُ ✓      | أَلْأَكْرَمُ □     |
|                      | يُكْرِّمُ □             | كَرَّمَ □        | أَلتَّكْرِيمُ □      | أَلْمُكْرِمُ ✓     |

♦ تمرین ششم \_ السادس

■ ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

در جای خالی یک کلمه مناسب قرار دهید.

- ۱- يُسَافِرُ كَثِيرٌ مِنْ آلِ ..... إِلَى إِيْرَانِ كُلِّ عَامٍ. (قَانِمَه ☐ / أَغْصَان ☐ / سَيَّاح ☒ / )  
معنی: هر سال گردشگران زیادی به ایران سفر می‌کنند. فهرست / شاخه‌ها / گردشگران)
- ۲- وَضَعْتُ الْمَصْبَاحَ فِي ..... الْبَيْتِ. (تَخْفِيز ☐ / مِفْتَاح ☐ / مَشْكَاه ☒ / )  
معنی: چراغ را در چراغدان خانه قرار دادم. (تخفیف / کلید / چراغدان)
- ۳- جَدَى لَا ..... بَعْضَ ذِكْرِيَاتِهِ. (يَغْرُسُ ☐ / يَنْذَكُرُ ☒ / يَنْبُتُ ☐ / )  
معنی: پدر بزرگم (جد من) برخی از خاطراتش را به یاد نمی‌آورد. (می‌کرد / به یاد می‌آورد / می‌روید)
- ۴- شَارَكَ زُمَلَانَا فِي ..... عِلْمِيَّةٍ. (مُبَارَاهٍ ☒ / اِلْتِفَافٍ ☐ / بُذُورٍ ☐ / )  
معنی: همکارانمان در مسابقه علمی شرکت کردند. (مسابقه ای / در هم پیچیدنی / دانه‌هایی)
- ۵- بَدَأَ آلُ ..... بِتَعْلِيمِ الرِّيَاضِيِّينَ. (فَوْزٌ ☐ / مُدَرِّبٌ ☒ / ثَرَاتٌ ☐ / )  
معنی: مربی شروع به آموزش ورزشکاران کرد. (تنه‌ای / گلی / جنسی)

♦ تمرین هفتم \_ السَّابِعُ

■ أَكْتُبْ جَمْعَ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ.

جمع این اسم ها را بنویسید.

هردیف یک جدول

سَائِح: سَيَّاح (گردشگر)

أَثَر: آثَار (اثر)

تَارِيخ: تَوَارِيخ (تاریخ)

قَرْيَه: قُرَى (روستا)

هردیف دو جدول

عَبْد: عِبَاد (بنده)

دَوْلَه: دُول (دولت)

بَهِيمَه: بَهَائِم (چهارپا)

مَلْعَب: مَلَاعِب (ورزشگاه)

هردیف سه جدول

رَسُول: رُسُل (فرستاده)

سِرْوَال: سِرَاوِيل (شلوار)

غُصْن: أَغْصَان (شاخه)

شَجَر: أَشْجَار (درخت)

هردیف چهار جدول

زَيْت : زُيُوت (روغن)

حَيَّ : أَحْيَاء (زنده)

قَبْر : قُبُور (گور)

|                      |                          |                         |                        |
|----------------------|--------------------------|-------------------------|------------------------|
| سَائِح = <b>سياح</b> | أَثَر = <b>اتار</b>      | تَارِيخ = <b>تواریخ</b> | قَرْيَة = <b>قری</b>   |
| عَبْد = <b>عباد</b>  | دَوْلَة = <b>دول</b>     | بَهِيمَة = <b>بهائم</b> | مَلْعَب = <b>ملاعب</b> |
| رَسُول = <b>رسل</b>  | سِرْوَال = <b>سراویل</b> | غُصْن = <b>غصون</b>     | شَجَر = <b>اشجار</b>   |
| زَيْت = <b>زیت</b>   | حَيَّ = <b>احیا</b>      | قَبْر = <b>قبور</b>     |                        |

جواب تمرین صفحه ۴۷ درس ۳ عربی یازدهم

♦ تمرین هفتم\_ الثامن

الف: عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ. (حَسَبِ الْمَعْنَى)

۱ - بُدُورُ النَّبَاتَاتِ ☐ جُزَاتُ الْبُلُوطِ ☐ جِدَارُ الْعِمَارَةِ ☒ جُذُوعُ الْأَشْجَارِ ☐

دانه های گیاهان - دانه های بلوط - دیوار ساختمان - تنه های درختان

۲ - مَدِينَتُهُ ☐ بَهِيمَتُهُ ☒ قَرْيَتُهُ ☐ مُحَافَظَتُهُ ☐

شهر - چارپا - روستا - استان

۳ - شُرْطَى ☒ خَبَّاز ☐ حَدَاد ☐ ذُكْرَى ☐

پلیس - نانوا - آهنگر - خاطره

۴ - سَيَاح ☒ آلَاف ☐ مَنَات ☐ عَشْرَات ☐

پرچین - هزاران - صدها - ده ها

ب: عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ. (حَسَبِ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النِّكَرَةِ)

۱ - تَمَثَّال ☒ اِيْلَام ☐ سَنَدَج ☐ كَرْمَانْشَاه ☐

مجسمه - ایلام - سندنجان - کرمانشاه

۲- السِّيَاح ☐ شَارِعٌ ☒ أَلْسَاحَه ☐ الْمُنْظَمَه ☐

گردشگران - خیابان - میدان - سازمان

۳- سَعِيدٌ ☐ سِنَجَاب ☒ مَحْمُودٌ ☐ صَادِقٌ ☐

سعید - سنجاب - محمود - صادق

۴- فَاطِمَه ☐ زَهْرَاء ☐ مَعْصُومَه ☐ اِمْرَأَه ☒

فاطمه - زهرا - معصومه - خانم

جواب بحث علمی صفحه ۴۸ درس سوم عربی دهم

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ نَصِّ حَوْلَ أَهْمِيَّةِ زِرَاعَةِ الْأَشْجَارِ.

متنی در مورد اهمیت کاشت درخت بیاپید.

فَوَائِدُ زِرَاعَةِ الْأَشْجَارِ:

معنی: فواید درخت کاری

۱- تَحْدُثُ مِنَ التَّلَوُّثِ الْجَوِيِّ الْمَوْجُودِ فِي الْبَيْئَةِ.

معنی: جلوگیری از آلودگی هوای موجود در طبیعت

۲- تَعْمَلُ عَلَى الزِّيَادَةِ مِنَ الْمَسَاحَاتِ الْخَضِرَاءِ وَبِالتَّالِيِ إِحْدَاثِ التَّوَازُنِ الْبَيْئِيِّ.

معنی: افزایش فضای سبز و در نتیجه ایجاد توازن محیطی

۳- تَعْمَلُ عَلَى نَشْرِ الظَّلِّ فِي أَمَاكِنِ الْجُلُوسِ بِالْحَدَانِقِ وَ الْمُنْتَزَهَاتِ الْعَامَةِ.

معنی: افزایش سایه برای نشستن در باغ ها و پارک ها

۴- تَخْفُفُ الْأَشْجَارُ مِنْ دَرَجَاتِ الْحَرَارَةِ (تَرْفَعُ الرِّطُوبَةُ).

معنی: درختان درجه حرارت هوا را کاهش می دهند (رطوبت را بالا می برند)

۵- تَقْلَلُ الضَّوْضَاءُ فِي الطَّرِيقِ وَالْمَسَاحَاتِ الْمَخْصُصَةِ لِلْعِبَادَةِ.

معنی: کم کردن سر و صدا در راه ها و جاهای بازی.

۶- صِيَانَةُ وَحْفِظَةُ التَّرِيهِ وَمَنْعُ انْجِرَافِهَا فِي الْأَرْضِ الْمُنْحَدِرَةِ.

معنی: حفظ خاک و جلوگیری از فرسایش در زمین های شیب

۷- اِسْتِخْدَامُهَا كَمَصْدَاتٍ لِرِيَّاحِ حَوْلِ الْمُدُنِ وَالْقُرَى وَالْمَزَارِعِ.

معنی: استفاده به عنوان مانع باد در اطراف شهرها و روستاها و مزارع.

۸- أَهْمِيَّتُهَا الْاِقْتِصَادِيَّةِ الْمَتَمَثِّلَةِ فِي اِلِسْتِفَادَةِ مِنْ ثَمَارِهَا.

معنی: اهمیت اقتصادی در استفاده از میوه آنها

۹- أَهْمِيَّتُهَا الطَّبِيَّةِ (مَنْفَعَتُهَا الطَّبِيَّةُ كإنتاج الأدوية والعقاقير التي تَسْتَخْرِجُ مِنْ بَذُورِهَا وَ أَوْرَاقِهَا وَ أَزْهَارِهَا).

معنی: اهمیت پزشکی ( فواید طبی) مانند تولید داروهایی که از تخم، برگ و گل درختان تولید می شود.